

# فهرست

## مقدمه | ۱۱

### فصل اول: ابزارهای بصری | ۱۷

چارچوب | ۱۸

تمرین | ۲۰

فضا | ۲۱

تمرین | ۲۴

خط کرسی | ۲۵

تمرین | ۲۶

گرید | ۲۷

تمرین | ۲۸

### فصل دوم: عناصر بصری | ۲۹

نقطه | ۲۹

کارکرد نقطه در نوشتار | ۲۹

نقش بصری نقطه | ۳۴

تمرین | ۵۲

خط | ۵۴

ویژگی‌های بصری خط | ۵۴

کارکرد خط در نوشتار | ۵۵

خط در اسکلت کاراکترها | ۵۵

ضخامت در خط پوشش | ۷۲

سطح مقطع در خط پوشش | ۸۱

بافت در خط پوشش | ۹۰

نقش بصری خط | ۹۰

تمرین | ۹۷

سطح | ۱۰۰

کارکرد سطح در نوشتار | ۱۰۰

سطح اسکلتی | ۱۰۱

سطح ظاهری | ۱۰۴

نقش بصری سطح | ۱۱۱

نقش سطح در چرخش بصری | ۱۱۳

نقش سطح در ایجاد هارمونی | ۱۱۴

نقش سطح در ایجاد کنتراست | ۱۱۵

تمرین | ۱۱۷

## فصل سوم: کیفیت‌های بصری | ۱۱۹

چرخش بصری | ۱۲۲

چرخش بصری در فضای مثبت | ۱۲۴

کاراکترهای حفره‌دار | ۱۲۵

کاراکترهای کاسه‌دار | ۱۲۹

کاراکترهای با خط مایل | ۱۳۰

- کاراکترهای نقطه‌دار | ۱۳۲
- چرخشِ بصری در فضای منفی | ۱۳۴
- تمرین | ۱۴۲
- تأکیدِ بصری | ۱۴۳
- عوامل ایجادکنندهٔ تأکید | ۱۴۳
- تمرین | ۱۴۶
- هارمونی و کنتراست | ۱۴۷
- عوامل ایجادکنندهٔ هارمونی و کنتراست | ۱۴۸
- تمرین | ۱۵۶
- تناسب | ۱۵۸
- تمرین | ۱۷۵
- تقارن | ۱۷۷
- تقارن در نوشتار | ۱۷۷
- تمرین | ۱۸۵
- توازن | ۱۸۶
- عوامل مؤثر در توازن | ۱۸۶
- تمرین | ۱۹۸
- تعادل | ۱۹۹
- تعادل در کاراکترهای متقارن | ۲۰۰
- تعادل در کاراکترهای نامتقارن | ۲۰۰
- تمرین | ۲۰۲
- ترکیب بندی | ۲۰۳

## کتاب‌شناسی | ۲۰۵

## مقدمه

تنوع رسانه‌ها در قرن اخیر، بستری برای گسترش ارتباط بصری به شکل و کیفیتی جدید فراهم کرده است. هرچه دامنه این گسترش وسیع‌تر می‌شود، نقش و اهمیت عوامل این ارتباط هم پررنگ‌تر می‌شود. دو عامل اصلی که وجود ارتباط بصری به حضورشان وابسته است، نوشتار و تصویرند. ارتباط بصری مناسب و کاربردی، با شناخت و انتخاب درست این عوامل شکل می‌گیرد.

برای شناخت این عوامل به آموزش نیاز است و برای آموزش، به الفبای دقیق. الفبای شناخت تصویر، مبانی هنرهای تجسمی است. اما برای شناخت بصری نوشتار، شاید طراحان و دانشجویان گرافیک با چالش‌های بیش‌تری مواجه باشند؛ از آن‌جا که نوشتار به‌عنوان یک مؤلفه بصری نقش‌های متنوعی دارد (گاهی به‌جای تصویر)، می‌توان ادعا کرد که نگاه تصویری به نوشتار و شناخت بصری آن، راهگشاست. با این پیش‌فرض، می‌توان ریشه‌های الفبای تصویر و نوشتار را یکسان دانست.

هدف این کتاب، تدوین مبانی بصری نوشتار براساس مبانی هنرهای تجسمی است. با این مبانی، بهتر می‌توان به تحلیل فرم کاراکترهای تایپی پرداخت. این شناخت هم در مرحله انتخاب تایپ‌های موجود و هم در مرحله طراحی تایپ با توجه به جامعه مخاطب و کارکرد تایپ، مفید خواهد بود.

مخاطبان اصلی این کتاب، دانشجویان مقطع کارشناسی گرافیک‌اند که اولین برخورد با فرم بصری نوشتار را تجربه می‌کنند. این کتاب حاصل تحقیق و آزمایش یافته‌ها و به‌کارگیری آن‌ها در عرصه آموزش دانشگاهی است. بسیاری از نتیجه‌های بیان شده در مورد سهولت خوانش و فرم‌ها، از تطابق تایپ‌های پرکاربرد خوانشی در نوشتار فارسی با تایپ‌های نمایشی از یک سو و آنالیز فرم کاراکترها در تایپ‌فیس‌های پرکاربرد خوانشی از سوی دیگر، استخراج شده‌اند.

مبانی هنرهای تجسمی در منابع مختلف، تقسیم‌بندی‌های متنوعی دارد. در بیش‌ترین تقسیم‌بندی‌ها، عناصر و کیفیت‌ها حضور دارند و برای هر یک، تعاریف و مصادیق تقریباً مشترکی وجود دارد. دانشجویان رشته گرافیک در ترم اول دانشگاه یا در هنرستان، به‌طور کامل با مبانی هنرهای تجسمی آشنا شده‌اند. با توجه به دانسته‌های ایشان، از بیان دوباره تعریف‌ها پرهیز شده است. تعریف‌های اصلی در حوزه مبانی هنرهای تجسمی، در این کتاب تغییر نکرده است. در تقسیم‌بندی عناصر و کیفیت‌های مبانی بصری نوشتار، با هدف کاربردی‌تر شدن آن‌ها در حوزه تایپ، تغییراتی صورت گرفته که به مرور زمان و با پیشرفت مطالعات در این حوزه، اصلاح می‌شوند.

سه فصل پیش‌روی شماست که شامل سه تقسیم‌بندی اصلی در مبانی بصری نوشتار است:

**فصل اول:** شامل ابزارهای بصری است. چارچوب، فضای بصری، خط کرسی، و گرید در این فصل توضیح داده شده‌اند. این‌ها ابزاری‌اند که شرایط لازم برای حضور و کارکرد عناصر و کیفیت‌های بصری را فراهم می‌آورند و همچنین، به درک راحت‌تر فرم‌ها کمک می‌کنند.

**فصل دوم:** شامل عناصر بصری است. عناصر در واقع مواردی‌اند که حضورشان موجب شکل‌گیری یک اثر بصری می‌شود و اثر بصری بدون حضور آن‌ها معنا ندارد. در خصوص تایپ هم حضور عناصر اهمیت دارد. از آن‌جا که فرم کاراکترهای تایپ، مانند یک اثر انتزاعی از پیش تعیین شده است و طراحان باید در همان محدوده و کمی بیش‌تر از آن به خلاقیت و نوآوری

بپردازند، می‌توان گفت طراحان این حوزه از طراحان دیگر در عرصه ارتباطات بصری بسیار محدودترند، از این رو عناصر و کیفیت‌ها هم با دقت بیش‌تری استفاده می‌شوند.

تعداد این عناصر در منابع مبانی هنرهای تجسمی، بیش‌تر از موارد بیان شده در این کتاب است؛ اما نقش اصلی آن‌ها در خلقِ فرم در تایپ، همان ایجاد تعامل با یکدیگر و کمک به بروز کیفیت‌های بصری در یک ترکیب‌بندی مناسب است. در مبحث عناصر، علاوه بر توضیحات مربوط به آن عناصر در فرم‌های تایپ، به نقش آن‌ها در ایجاد کیفیت‌های مختلف هم اشاره شده است. از این رو، مخاطبان عزیز هم در مبحث کیفیت‌ها و هم در مبحث عناصر، با تعامل این دو بخش با یکدیگر مواجه خواهند شد که در واقع، تکمیل‌کننده بحث است. البته در برخی موارد ممکن است تکراری به نظر برسد، ولی فقط تکمیل روند تعامل و گفتمان در مورد عناصر و کیفیت‌هاست. این عناصر شامل نقطه، خط، و سطح‌اند.

**فصل سوم:** شامل کیفیت‌های بصری است. اگرچه عوامل اصلی ایجاد کیفیت‌های بصری، عناصر و تعامل آن‌ها با یکدیگر است، خود کیفیت‌ها هم در به وجود آمدن، قدرت گرفتن، یا به زوال رسیدن یکدیگر دخیل‌اند. از این رو در متن این کتاب، در توضیح چگونگی شکل‌گیری و کارکرد برخی از کیفیت‌ها، علاوه بر نقش عناصر، به کارکرد برخی از کیفیت‌ها هم اشاره شده است. اینفوگراف‌ها رفت و برگشت میان عناصر، کیفیت‌ها، و کارکرد هر یک در خلق دیگری را به شکل تصویر به نمایش گذاشته‌اند، که امید است مفید واقع شوند. کیفیت‌های بصری شامل چرخش بصری، هارمونی و کنتراست، تناسب، تقارن، توازن، و تعادل‌اند.

مبنا قرار دادن مبانی هنرهای تجسمی به معنی کم‌اهمیت جلوه دادن یا مقابله با اصول خوشنویسی نیست، ولی از آن‌جا که فرم بصری کاراکترهای نوشتاری در این کتاب مبناي تحلیل و شناخت است و زبان مشترکی میان تصویر و نوشتار را طلب می‌کند، از این رو، فقط در برخی از مباحث به اصول خوشنویسی ارجاع داده شده است که به مبانی تجسمی و شناخت فرم کمک می‌کند.

لازم به ذکر است که تایپ فیس های انتخاب شده در تصویرها و آنالیزها، بر مبنای نزدیکی فرم آن ها به موضوع مورد بحث بوده است و به معنی رد یا قبول یا ارجحیت بخشیدن به تایپ فیس خاصی نبوده است.

این راه ادامه دارد، چنانچه از گذشته شروع شده و اساتید و بزرگواران در هرچه تنومندتر شدن این نهال و رشد این شاخه از گرافیک ایران، یاری رسان بوده و هستند. در این عرصه، از زحمات بی دریغ اساتید و فعالان این حوزه که خوراک تئوری و عملی این تحقیق را پیش تر فراهم کرده اند و من از آن بهره مند شده ام، سپاسگزارم. همچنین، از دانشجویان عزیزم در دو دانشگاه هنر تهران و اصفهان و اساتید بزرگوارم خانم دکتر دانشگر و آقای دکتر حسامی کرمانی نیز تشکر می کنم.

قبل از آغاز مطلب، به معرفی چند اصطلاح جدید که در این کتاب بیش تر با آن ها مواجه خواهیم شد، می پردازیم:

**خرده فرم:** هر کاراکتر نوشتاری یک فرم کلی دارد که آن را بدنه کاراکتر می نامیم. برخی کاراکترها اجزایی به نام خرده فرم دارند که در کنار هم، بدنه کاراکتر را تشکیل می دهند. مثلاً در کاراکتر «ح» یک خرده فرم، افسر و یک خرده فرم، کاسه معکوس است.

**اسکلت کاراکتر:** اصل، بنیان، و استخوان بندی اصلی هر کاراکتر را اسکلت کاراکتر می نامیم. ممکن است اسکلت ها در برخی از قلم های خوشنویسی یا برخی از تایپ فیس ها با هم تفاوت داشته باشند، اما در این کتاب اسکلت اصلی و ابتدایی همان حروف و کاراکترهای نوشتاری است که همه ما هنگام آموزش الفبا شناخته ایم و برای ما آشناست. کلماتی مثل خط اسکلتی یا سطح اسکلتی نیز ریشه در همین استخوان بندی اصیل دارند.

**پوشش کاراکتر:** ظاهر تایپ که اصطلاحاتی نظیر خط پوششی و سطوح ظاهری را

هم به دنبال دارد، در واقع قیافه ظاهری کاراکتر است، پس از آن که شاخص‌های بصری خاصی را به خود گرفته است. این کلمات از نظر محتوا بسیار به تایپ‌فیس نزدیک‌اند.

**تایپ‌فیس:** تایپ‌فیس و تایپ هر دو در یک معنا استفاده شده‌اند و منظور فرم و قیافه ظاهری کاراکترها در تایپ‌های مختلف است. از این رو گاهی از تایپ و گاهی از کلمه تایپ‌فیس استفاده شده است.

**کاراکتر:** بر مبنای تعریف منابع لاتین در حوزه تایپ، کاراکتر تمام علائم و نشانه‌های نوشتاری (حروف، علائم نگارشی، اعداد، علائم آوایی، و غیره) را دربرمی‌گیرد و با نگاه فرمی و فارغ از خوانش نوشتار که در این کتاب بیش‌تر مورد نظر است، نزدیکی بیش‌تری دارد. اساتید و طراحان محترم ممکن است به جای این واژه از کلماتی چون نویسه، مفردات، گلیف، حروف، و غیره استفاده کنند. مفردات یا حروف، فقط به بخشی از علائم نوشتاری اختصاص دارند؛ بخصوص واژه مفردات که بیش‌تر در خوشنویسی رایج است، ممکن است شامل علائم و نشانه‌های یک تایپ نشود. نویسه نیز به عنوان واژه جایگزین و فارسی شده کاراکتر پیشنهاد شده است. با جستجوی دقیق‌تر در مورد معنای این واژه در فرهنگ کلمات فارسی به معنای ناآشنایی برخوردیم که ممکن بود برای هنرجویان ابهام ایجاد کند. از این رو، با توجه به منابع، از واژه کاراکتر به عنوان یک واژه شناخته شده‌تر استفاده شده است و از قلم در این کتاب در دو معنی استفاده شده است. اول: اقلام خوشنویسی یا قلم خوشنویسی که منظور انواع و اقسام گونه‌های خوشنویسی است، مثل قلم نسخ و قلم ثلث که در بیش‌تر منابع از این لفظ استفاده شده است. دوم: به عنوان ابزار نگارش و ابزار خطاطی.